

آثار طمع مذموم از دیدگاه آیات و روایات

حانیه برنده^۱

چکیده

طمع در اصطلاح، تمايل نفس به چيزی از روی آرزوی شدید و آzmanدی است و در اصطلاح قرآنی توقع داشتن و حريص بودن در اموال و زندگی مردم است. طمع مذموم عبارت است از توقع بی جا و اشتیاق بی حد و حصر داشتن، آzmanدی، زياده خواهی و افزون طلبی خصوصاً به اموال، مادیات، متعاهای دنیوی و سرمایه‌های عمومی و بیت المال و تجاوز به حقوق و اموال دیگران، مال و ثروت-اندوزی و نیز به معنای مقام پرستی، ریاست طلبی و میل و هواپرستی و شهوت گرایی و مادیگری. تحقیق پیش روی به روش مطالعه کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی، انواع طمع در آیات و روایات، منشا و درمان این بیماری بدخیم معنوی و راهکارهایی برای مقابله با آن مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله به بررسی معانی طمع در قرآن پرداخته شده است که این واژه ۱۲ بار در قرآن کریم آمده است و به معنای امیدواری، حرص، آرزوی محال و میل نفسانی است که بیشترین کاربرد آن امید و آرزو است. گفتنی است بررسی طمع متاثر از تفسیر آیات و روایات دارای زوایای ارزشمندی است که جامعه کنونی ما شدیداً به آن نیازمند است و در این نوشتار نیز بدان اشاره شده است.

واژگان کلیدی: آثار طمع مذموم، حرص، طمع،

مقدمه

طمع در لغت به معنای میل، زياده خواهی است و با حرص و آز مترادف می‌باشد.^۲ اما طمع در قرآن کریم هم به معنای حرص و هم به معنای امید و آرزو و میل نفسانی آمده است. طمع به معنی امید در آیه‌ی «وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِئَتِي يَوْمَ الدِّينِ»^۳. قرآن مجید در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی

^۱ سطح دو حوزه علمیه حضرت زهرا (س)، احمدآباد، brndhhanyh@gmail.com

^۲ بستانی، فرهنگ ابجدي، ص ۵۷۵

^۳ الشعراء، ۸۲

^۴ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۴، ص ۲۳۸

احزاب طمع را ثمره‌ی مرض قلب می‌داند. قلبی که از نور معرفت و ایمان به خدا و انبیاء و اولیاء محروم است، گرفتار حالات ابلیسی گوناگون از جمله حالات خطرناک طمع است. از امام باقر (ع) روایت شده است: «بد بنده‌ای است کسی که طمعی دارد که او را به دنبال خود می‌کشاند و بد بنده‌ای است آن که میلی دارد که او را خوار کند».^۱

کسی که گرفتار حرص و اسیر صفت پلید افرون طلبی است، همواره در خود احساس کمبود نموده و به مال و ثروت دیگران چشم دوخته است. بلکه هر اندازه بر ثروت خود می‌افزاید طمعش افرون تر و چشم امیدش به مال مردم بیشتر می‌گردد. چشم داشت به اموال دیگران سرمایه گرانقدر عزت نفس را نابود و ذلت و بندگی و خواری را به ارمغان می‌آورد. بینیازی از آن‌چه در اختیار دیگران است و نامیدی از مال و منال مردم، سرمایه‌ای است ارزشمند که ریشه در ایمان به پروردگار متعال و باور به وعده‌های او دارد. مومن هیچ‌گاه وسیله ذلت و خواری خود را در برابر مردم فراهم نکرده، چشم امیدش به کسی است که حیات و زندگی و روزی و عزت در دست مبارک اوست. شخص با ایمان به خود اجازه نمی‌دهد که موجبات ذلت خویش را فراهم آورد، به همین جهت آن‌چه را در دست خود و دیگران می‌بیند، موهبتی الهی دانسته، جز به منبع فیض به کسی امید نمی‌رود. حضرات معصومین (ع) طمع به مال و منال دیگران را عامل ذلت، بلکه اثر ویران‌گر آن را در نابودی عزت نفس از سایر رذائل حیوانی خطرناک‌تر دانسته‌اند.^۲ حرص و طمع یکی از صفات رذیله اخلاقی و یکی از شاخصه‌های حب دنیا محسوب می‌شود. در طول تاریخ، همواره حرص و افزون‌طلبی، سرچشمه‌انواع جنایات، جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها، قتل و غارت‌ها و پشت کردن به اصول انسانی و فضایل اخلاقی بوده است. نقطه مقابل آن، قناعت است که سبب آرامش، عدالت و صلح و صفات است.

بچاری و همکاران در سال ۱۳۹۸ به بررسی آیات و روایات، منشا و درمان بیماری بدخیم معنوی طمع پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که طمع یک بیماری روحی است که از جانب شیطان و نفس اماره تقویت می‌شود و بهترین درمان آن فهمیدن و عمل به آیات قران کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) است.

حسنی حمیدآبادی و یزدان پناه در سال ۱۳۹۴ به بررسی حرص و طمع؛ بسامد، انواع، علت، نتایج و راههای درمان آن به صورت تطبیقی میان قرآن کریم و مثنوی معنوی پرداختند. مولوی به طور

^۱ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴.

^۲ اسماعیلی یزدی، فرهنگ صفات، ص ۵۹۳.

گسترده و متأثر از قرآن، در صدد تفسیر آیات مرتبط با طمع است و به زوایای ارزشمندی اشاره دارد که جامعه‌ی کنونی ما شدیداً به آن نیازمند است.

نوروزپور در سال ۱۳۹۲ به مقایسه طمع در چهار اثر تعلیمی پیش از مولوی – قابوسنامه، رساله قشیریه، کیمیای سعادت و اخلاق ناصری- با مثنوی مولوی پرداخت. نتایج این پژوهش نشان مداد که در قیاس با دیگر کتاب‌ها که بر جنبه‌های اجتماعی و فردی طمع تاکید کرده‌اند یا به جنبه ثواب و عقاب اخروی، مولوی با نظر به پیچیدگی‌های روان آدمی و جذابت تمایلات نفسانی، جنبه‌های گوناگون طمع را بررسی کرده و نفسانیات و بویژه طمع را آفاتی برای شناخت و سلوک عرفانی دانسته است بگونه‌ای که تداوم پیروی از هواهای نفسانی مانع ادراک می‌شود. در اندیشه مولوی عاری بودن از طمع، موجب کسب تجربه‌های شهودی و دستیابی به معرفت عرفانی است.

روش این تحقیق کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی است و هدف از این نوشتار، آگاهی هر چه بیشتر خوانندگان از آثار طمع مطلوب چون عزت نفس، تلاش مضاعف، استجابت دعا، حفاظت از ایمان و رستگاری دنیوی و اخروی و طمع نامطلوب در گناه، ثروت اندوزی، جاه و مقام، شهوت پرستی، علم بدون عمل تنها زمینه ساز کسب منافع مادی بدون توجه به زندگی اخروی است.

مطمئناً آشنایی با ابعاد طمع بر اساس آموزه‌های اخلاقی در اسلام باعث می‌شود تا ارزش‌های مادی و معنوی در زندگی انسان هر چه بیشتر آشکار شود و همچنین زمینه‌ی تعالی جامعه‌ی آرمانی اسلامی نیز فراهم گردد.

مفهوم شناسی طمع

طمع، به معنای تمایل نفس به چیزی است که خارج از دست او است، مقابل استغنای نفس. این صفت از صفات مهلهکه و از آثار دنیادوستی است. گاهی طمع به امر، مستحسن است اگرچه طمع- ورزنده مستحق آن نیست و گاهی نیز طمع، مذموم و قبیح است مانند تمایل رسیدن به چیزی که حق آن نیست مثل آرزو و تمایل به چیزی که در دست غیر او است و او هیچ استحقاقی ندارد.^۱ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در توصیفی، طمع را فقر حاضر یعنی فقری که الان موجود است، معرفی کرده‌اند.^۲

^۱ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۶۶۹؛ هاشمی رفسنجانی و همکاران، فرهنگ قرآن.

^۲ کلینی، الاصول من الكافی، ج ۲، ص ۴۹.

لَا تَمُدَّنْ عَيْنِيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاحْفِظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ^۱.
«دیدگان خویش را به آن چیزهایی که نصیب دسته‌هایی از ایشان کردیم می‌فکن و بخاطر آن‌چه آن‌ها دارند غم مخور و به مؤمنان نرم‌خویی کن»^۲.

مقصود از چشم دوختن به زینت زندگی دنیای آنان این است که داده‌های خدا را ننگرد و چشم حسرت به آنچه دیگران دارند بدوزد، و مقصود از ازدواج، مردان و زنان و یا اصناف مردم است، مانند صنف بتپستان و صنف یهود و صنف نصاری و صنف مجوس^۳ و معنای آیه این است که: «چشم از آن‌چه که ما از نعمت‌های ظاهری و باطنی به تو انعام کرده‌ایم بر مگیر، و با حسرت به آن‌چه که به ازواج اندک و یا اصنافی از کفار داده‌ایم خیره مشو. بعضی^۴ از مفسرین جمله "لَا تَمُدَّنْ عَيْنِيْكَ" را کنایه از نگاه طولانی گرفته‌اند. ولی خواننده خود می‌داند که علی ای حال منظور، نهی از رغبت و میل و تعلق قلبی است به آن‌چه که مردم از متاع‌های زندگی از قبیل مال و جاه و آوازه و شهرت دارند، از همه این‌ها بطور کنایه تعبیر می‌شود به نگاه نکردن، نه طولانی نکردن نگاه، آیه-ای هم که به زودی از سوره کهف نقل می‌گردد مؤید این معنا است. "وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ"- یعنی از جهت اصرارشان بر تکذیب و استهزاء، و لجبازیشان در ایمان نیاوردن غم مخور." و احْفِظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ"- مفسرین^۵ گفته‌اند: «این جمله کنایه است از تواضع و نرم‌خویی و بدین جهت تواضع را "خفض جناح" نامیده‌اند که مرغ وقتی می‌خواهد جوجه‌هایش را در آنوش بگیرد پر و بال خود را باز می‌کند و بر سر جوجه‌ها می‌گستراند، و خود را تسلیم آن‌ها می‌کند. لیکن هر چند این معنا که مفسرین کرده‌اند با آیاتی دیگر تایید می‌شود، چنان که در وصف رسول خدا می‌فرماید: "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ" به رحمت خدا بر آنان نرم شدی و نیز می‌فرماید: "بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ"^۶ به مؤمنین، رؤوف و مهربان است الا این‌که آن‌چه که در نظیر این آیه آمده، و می‌توان خفض جناح را بر آن حمل کرد عبارتست از صبر و خویشتن‌داری و سازگاری با مؤمنین، و این صبر با این معنا مناسب است دارد که کنایه باشد از زیر بال گرفتن مؤمنین، و همه هم خود را مصروف

^۱ سوره حجر، آیه ۸۸.

^۲ طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۷.

^۳ طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

^۴ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۶۱، ص ۴۷۹؛ فخر رازی، التفسیر الكبير، ج ۱۹، ص ۲۱۰.

^۵ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۴۵؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۴، ص ۸۰.

^۶ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

^۷ سوره توبه، آیه ۱۲۸.

و منحصر در معاشرت و تربیت و تادیب ایشان به آداب الهی نمودن، و یا کنایه باشد از ملازمت با آنان و تنها نگذاشتن و جدا نشدن از ایشان، همچنان که مرغ وقتی خفض جناح می‌کند دیگر پرواز را تعطیل کرده از جوجه‌هایش جدا نمی‌شود، و خدای تعالی در این باره فرموده: "وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهِمْ بِالْغَدَاءِ وَ الْعَشَىٰ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا"^۱ خویشن را با کسانی که پروردگار خود را شبانه می‌خواند و رضای او را می‌طلبند صابر گردان و چشم از ایشان مبند و به زینت زندگی دنیا مدوز.^۲

فیلیس ای. تیکل می‌گوید طمع گناهی است که به سادگی آن را در وجود دیگران می‌بینیم اما به ندرت خودمان را مبتلا به آن می‌دانیم — و قدرت طمع در همین نهفته است. حرص در لغت عبارت است از علاقه شدید قلبی^۳ و «زیاده‌روی در آزمندی و میل و اراده»^۴ واژه‌های معادل آن طمع و آز هستند.

طمع در لغت، به معنای حرص بر چیزی، چشم داشت، فریفته بودن و مال دوستی است در اصطلاح علمای اخلاق عبارت است از: توقع داشتن در اموال مردم.^۵

واژه شناسی طمع از منظر قرآن و روایات

واژه‌ی طمع و مشتقاتش ۱۲ بار در قرآن آمده است اما همه‌ی آن‌ها به یک معنی به کار نرفته‌اند بلکه طمع در این آیات گاهی به معنای امید، گاهی به معنای آرزوی دست نیافتنی، گاهی حرص و گاهی هم میل نفسانی آمده است. اکنون در ذیل آیاتی که معناهای مختلف طمع دارند آورده می‌شود:

۱- امید

بیشترین کاربرد معنایی واژه‌ی طمع در قرآن معنای امید و امیدواری است.

^۱ سوره کهف، آیه ۲۸.

^۲ طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

^۳ قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۱۹.

^۴ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۲۷.

^۵ التراقی، جامع السعادات.

آلودگی و گناه آنان شده است و در روایات اسلام نیز به این حقیقت توجه داده شده است، چنان که حضرت علی (علیه السلام) در وصیت‌نامه معروفش به امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «وَإِيَاكَ أَنْ تُجِفْ بِكِ مَطَايَا الظَّمَعْ فَتُورِكِ مَنَاهِلُ الْهَلْكَةِ» ای فرزندم بترس از اینکه شترهای طمع تو را به چراگاه هلاکت ببرد (که به واسطه طمع گناه کنی)^۱. و ابان بن سوید می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «مَا الَّذِي يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِ الْعَبْدِ؟ قَالَ الَّذِي يُثَبِّتُهُ فِيهِ الْوَدْعُ وَ الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهُ الْطَّمَعُ» چه چیز ایمان را در دل می‌گرداند؟ فهود، آن چه ایمان را در دل ثابت نگه می‌دارد، ورع "ترس از خدا" است و آن چه ایمان را از دل بیرون می‌برد طمع است^۲.

۸- غفلت از هدف آفرینش

ناگفته پیداست که زندگی و خوشبختی انسان‌ها منحصر به زندگی محدود این جهان مادی نیست، بلکه زندگی واقعی و سعادت جاودانی وی در عالم آخرت هست و هدف از آمدن به این جهان و مقصود از آفرینش بشر تکامل وی و کسب سعادت و حیات ابدی در آن عالم است که هر کس با خود سازی و تحمیل فضائل اخلاقی و انجام اعمال نیک و پرستش پروردگار عالم و رشد فکری و کمال روحی باید آن را برای خود تامین نماید. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ» ما جن و انس را جز برای پرستش نیافریدیم.^۳

بنابراین از آن‌جا که انسان طمع کار به آن چه از دنیا دارد قانع نبوده و چشم به مال، مقام و تجملات دیگران دوخته و برای به دست آوردن آن‌ها دست تملق، تعریف بی‌جا و خضوع در برابر صاحبان مال و مقام زده و خوبیش را ذلیل کرده و خود را به هر کار زشتی آلوده می‌سازد، هدف از آفرینش و آمدن خود را به دنیا فراموش کرده است و به جای تحصیل سعادت آخرت مال ناپایداری از دنیا بدست آورده است.

۹- ضعف ایمان

^۱ خادمی اصفهانی، اخلاق اسلامی، ص ۲/۱۳۵.

^۲ خادمی اصفهانی، اخلاق اسلامی، ص ۲/۱۳۵.

^۳ سوره ذاریات آیه ۵۶

کسی که اعتقاد درستی به خداوند ندارد و ایمانش به قدرت، علم، حکمت و رازق بودن او ضعیف است و تنها فعالیت‌های خود و کمک دیگران را باعث خوشبختی و در انجام کارهایش موثر می‌داند گرفتار ذلت بار طمع و چشم داشت به مردم می‌گردد، ولی هر گاه کسی ایمانش کامل بوده و باور داشته باشد که «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتَّيْنِ»^۱ به درستی که خدا روزی دهنده، صاحب اقتدار و نیرومندی است و «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَحْجَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» هر کسی که از خدا بترسد برای بیرون رفتن (از گناهان و حوادث) برای او راه می‌گشاید و از جایی گمان نبرد به او روزی می‌رساند و آن کس که بر خدا توکل و اعتماد نماید (خداوند در گرفتاری‌ها) وی را کفايت خواهد کرد...^۲ بدون تردید تنها توجه وی به خداوند بوده و هرگز خود را آلوده به صفت رذیله طمع نکرده و از زیان‌هایش در امان خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

روشن‌ترین زیان و اثر شوم طمع ذلت و خواری است، زیرا کسی که چشم طمع به مال یا مقام کسی دوخته برای جلب توجه وی و بهره‌مندی از وی ناگزیر است در برابر ش خضوع کرده و زیان به اظهار فقر و درماندگی بگشاید تا دل او را بدست آورده از او بهره‌مند گردد. نقطه‌ی مقابل طمع که از رذائل اخلاقی به شمار می‌رود قناعت است که از فضائل ارزشمند اخلاقی است و باعث عزّت، سربلندی و آرامش خاطر انسان در دنیا بوده و سبب تکامل فکری و روحی و سعادت وی در عالم جاودانی آخرت می‌گردد.

طمع در دو نوع مطلوب و نامطلوب همواره مورد توجه آیات و روایات قرار گرفته است لذا هر چند که شخص طمع کار و طمع ورز مستحق آن چیزی نیست که خواهان آن است اما اموری نیز هستند که انسان نه تنها می‌بایست نسبت به آن طمع داشته باشد بلکه بر آن اصرار کند و از خدا بخواهد تا آن چیزی که مستحق آن نیست به وی ببخشد.

سفارش به فضایل اخلاقی و نکوهش رذائل اخلاقی همواره محوری‌ترین مبانی قرآن و روایات هستند. در قرآن کریم، پنج بار واژه‌ی حرص به کار رفته است. این مفهوم در برخی از آیات قرآن مستقیماً به کار رفته است و در برخی دیگر تنها به مفهوم آن اشاره شده است و به طور غیر مستقیم مورد اشاره قرار گرفته است. در قرآن کریم بیان شده که زیاده‌خواهی و نداشتن ایمان و

^۱ ذاریات آیه ۱۸

^۲ سوره طلاق آیه ۲ و ۳

توکل نکردن به پروردگار باعث به وجود آمدن حرص در آدمی می‌شوند. مهم‌ترین نتایج حرص از دیدگاه قرآن بدین قرار است: «تعییر نگرش و نابینایی از دیدن حقایق معنوی، ایجاد حجاب میان خداوند و انسان، قطع رحمت پروردگار، عدم استجابت دعا، به وجود آوردن غم و رنج، و گمراه کردن انسان. در قرآن کریم اعتماد و توکل بر خداوند و پناه بردن به او، اصلی‌ترین راه درمان حرص است. در ادامه به بیان پیشنهاداتی جهت مصونیت از بیماری روانی طمع به شرح ذیل پرداخته شده است:

- ۱- قناعت و ساده زیستی به عنوان پادزهر و اصلی‌ترین فضیلت در برابر رذیله طمع، به عنوان فرهنگ و تقوای معيشیت می‌باشد در خانه و خانواده مورد عنایت والدین قرار گیرد تا نوجوانان بتوانند به راحتی روح و روان خود را از رذیله طمع دور نگه دارند.
اگر بگوییم، ریشه تمامی قتل‌ها، سرقت‌ها، غارت‌ها، جنگ‌ها، جنایت‌ها، خشونت‌های خانوادگی، فاصله‌های عظیم طبقاتی، ریشه در طمع و آزمندی دارد امر واضحی را طرح و تکرار کردہ‌ایم.
- ۲- عمل، جسم و نیت، روح هر عمل می‌باشد، لذا اگر برای بدست آوردن ثروت و قدرت، نیت (که روح و قطب نمای عمل می‌باشد) را جلب رضایت خداوند لازم و کافی بدانیم، تیشه به ریشه طمع و حرص زده‌ایم.
- ۳- فلسفه وجودی هر پدیده‌ای (مسکن، مرکب، پوشک، خوراک و...) را بشناسیم در این صورت مسکن و مرکب برای آرامش و انجام بهتر امور زندگی خواهد بود نه فخر فروشی و زیاده طلبی و استثمار دیگران.
- ۴- معاشرت و مراوده با سرمایه سالاران و ثروت اندوزان دامنه آتش زیاده طلبی و دنیا پرستی و طمع را در ذهن و زندگی ما برافروخته و مانع مقابله با رذیله طمع خواهد شد. بر عکس مراوده و دوستی با افراد قانع و ساده زیست قوت و قدرت ما را در جهت مقابله با آرزوهای طولانی تقویت خواهد کرد.
- ۵- مطالعه سرگذشت پاکان و نیکان و صالحان و مبارزان.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه.

- ۱-آلوسی، محمود بن عبدالله. **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**. دار الكتب العلمية، لبنان، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- ۲-ابن بابویه، محمدبن علی. **معانی الأخبار**، ترجمه محمدی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۳-اسماعیلی یزدی، شیخ عباس. **فرهنگ صفات**، مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۴-الراقی، المولی احمد. **جامع السعادات**. مؤسسه انتشارات هجرت، قم - ایران، ۱۳۷۸.
- ۵-بستانی، فؤاد افراهم. **فرهنگ ابجدي**، جلد ۱، انتشارات اسلامی-تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵.
- ۶-بچاری، جعفر و ساكت، محسن و اسماعیلپور، حسین. "بررسی آثار رفتاری طمع در آیات و روایات"، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران، ۱۳۹۸.
- ۷-تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. **غیر الحكم و دررالكلم**، نشر دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۸-تویسرکانی، محمد نبی. **لئالی الاخبار**، العلامه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳.
- ۹-حرعاملی، محمد بن حسن. **وسائل الشیعه**، موسسه اهل بیت (ع)، قم، ۱۴۰۹.
- ۱۰-حسنی حمیدآبادی، مهناز؛ یزدان پناه، مهرعلی. "بررسی تطبیقی حررص در قرآن کریم و مثنوی مولانا". زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، سال هفتم، پاییز، شماره ۲۴، ۱۳۹۴.
- ۱۱-خدمی اصفهانی، اکبر. **اخلاق اسلامی**، محل انتشار: قم، ناشر: نسل جوان، ۱۳۸۵.
- ۱۲-راغب اصفهانی، حسین بن محمد. **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، دمشق، ناشر دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲.
- ۱۳-شوارتز، جسیکا. از طمع تا وحشت. (مترجم احسان سپهريان)، نشر: چالش، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- ۱۴-طباطبایی، محمدحسین. **ترجمه تفسیر المیزان**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- ۱۵-طبرسی، فضل بن حسن. **مجمع البیان**. (مترجم: نوری همدانی، حسین)، نشر فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۶.

- ١٦- فخر رازی، محمد بن عمر. **التفسیر الكبير**، ٣٢ جلد، دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ سوم، ١٤٢٠.
- ١٧- فيليپ ای.تیکل. طمع. (مترجم: نسترن ظهیری)، انتشارات ققنوس، ١٣٩٦.
- ١٨- قرشی، سید علی اکبر. **قاموس قرآن**، ج ٥، چاپ الكتب الاسلامیه یازدهم؛ تهران، دار، ١٣٧٢.
- ١٩- کلینی، محمد بن یعقوب. **الاصول من الكافی**، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ١٤٠٧ ه.ق.
- ٢٠- مجلسی، محمد باقر. **بحار الأنوار**، نشر الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ه.ق.
- ٢١- محمدری شهری، محمد. **میزان الحكمه**، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ١٣٧٥.
- ٢٢- مدائی، عبدالحمید بن محمد. **شرح نهج البلاغه**، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ١٤٠٤ ه.ق.
- ٢٣- مصطفوی، حسن. **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ١٣٦٨.
- ٢٤- مکارم شیرازی، ناصر. **تفسیر نمونه**، دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ دهم، ١٣٧١.
- ٢٥- مکارم شیرازی، ناصر. **اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)**، نسل جوان، قم، چاپ اول، ١٣٨٥.
- ٢٦- مولوی. **مثنوی معنوی**. مقدمه استاد بدیع الزّمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم، ١٣٥٧.
- ٢٧- نوروزپور، لیلا. **حرص و طمع در مثنوی مولوی و مقایسه آن با چهار اثر در حوزه ادبیات تعلیمی**. سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ٤، شماره ١ (پی در پی ١٩)، ١٣٩٢.
- ٢٨- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر و برخی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. **فرهنگ قرآن**، قم، چاپ اول، ١٣٨٤.
- ٢٩- هندی، حسام الدین. **كنز الاعمال في سنن الاقوال**، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠٩ ه.ق.